

کتیبه

انبیا دعوت خلق به بهشت کردند، او دعوت خلق به خدا.
مثال نبوت خواجه علیه‌وآله‌الصلوة‌والسلام با دیگر انبیا، مثال آفتاب
بود و ستارگان. آفتاب وجود محمدی را آفتاب صفت به کافه خلایق عالم
فرستادند... هم چنین خداوند تعالی خواست تا بر این مشتی خاک، نظر فضل
خداوندی کند و هر یک را به شرف خلافت مشرف گرداند؛ آن‌گه محمد را
علیه‌وآله‌الصلوة‌والسلام از جمله انبیا برکشید و بر همه برگزید و قرآن مجید را بدو
فرستاد و جمله احکام که در کتب متفرق بود در او جمع کرد و او را به رسالت به کافه
خلق فرستاد تا اگر دیگر انبیا دعوت خلق به بهشت کردند، او دعوت خلق به خدا کند
و رهبر و دلیل جمله باشد و نعمت دین را بدیشان تمام گرداند و ایشان را به اعلا
درجه اسلام - که مرضیه حق است - دلالت کند، چه به حقیقت، دین کامل در
حضرت عزت اسلام است... و هر چه جز دین اسلام است، مردود است...

مرصادالعباد

اثر نجم‌الدین رازی؛

عارف قرن ششم هجری

زیر باران

دست مهربان

لعیا اعتمادی

امروز می‌خواهم با تمام وجودم با تو حرف بزنم. امروز
دیگر این فقط زبانم نیست که حرف می‌زند؛ گوشم،
چشمم، دستم... حتی دلم با تو حرف می‌زند؛ با تو که
می‌دانم همیشه و در همه حال، کنارم هستی.

ای مهربان! وقتی با تو حرف می‌زنم، احساس می‌کنم
سبک شده‌ام؛ مثل آن وقت‌ها که توی خواب از بلندی
می‌افتم، بدون این که احساس درد کنم، مثل آن
وقت‌ها که یک دل سیر گریه می‌کنم؛ بدون این که
جلوی ریختن اشک‌هایم را بگیرم، اصلاً وقتی با تو
حرف می‌زنم، احساس بزرگ بودن می‌کنم، احساس
بودن می‌کنم؛ ولی خوب می‌دانم که این بزرگی و این
بودن، همه به خاطر توست؛ به خاطر تو که هرگاه دست
نیازم را به سویت دراز می‌کنم، دستم را می‌گیری؛ با
تمام مهربانی‌ات.

به خاطر تو که هرگاه درها به رویم بسته می‌ماند، باز
دست مهربان توست که قفل‌ها را برایم می‌گشاید.
ای سپیده مهر! امروز نیز در سایبان لطف تو نشسته و
دل به درگاه لطف تو بسته‌ام تا در ازدحام و شلوغی
زندگی و در رنگ‌های فریبنده دنیایی گم نشوم و بودن
را با تمام وجود تجربه کنم.

باز باران

به دلم افتاده این جمعه می‌آیی...

نقی یعقوبی

شب چارشنبه کنار کفترایی آقاجون
پیش ابرا تو همین دوروبرایی آقاجون
مٹ گلدون ترک خورده بغض غنچه‌ها
سر شب گوشه ایوون طلایی آقاجون
به بقیع سر می‌زنی روضه مادر می‌خونی
گمونم دفتر احساس گلایی آقاجون
به تموم عاشقای شهر تشنگی قسم
می‌دونم که عاشق کرب و بلایی آقاجون
قنوتام یه مدته همش دعای فرجه
به دلم افتاده این جمعه می‌آیی آقاجون